

اهداف خصوصی سازی در معرض فراموشی

دکتر فریدبرز درجزی

این روزها کمیسیون اقتصادی دولت مشغول بررسی طرح هایی است که به موجب آن ها بعضی از مواد قانون برنامه سوم توسعه در مورد خصوصی سازی اصلاح خواهد شد. گذشت بیش از ۲ سال از زمان اجرای این طرح این برنامه و عدم تحقق اهداف خصوصی سازی که احکامش در فصل سوم این قانون در ۱۹ ماده آمده است این ضرورت را ایجاد کرده که مقررات قانونی حاضر جن و اکذاری سهام دولتی شرکت های تجاری غیر بان تجاری شود. تصمیم اتخاذ شده فوق که کاملاً هم به موقع به آن عنایت شد از این منظر مهم است که در طی این دو سال احساس می شود در عمل برخی از مفاد مقررات مزبور با مقتضیات و شرایط عینی مناسبات اقتصادی کشور همخوانی کامل ندارد و لذا فاکتور آمد جلوه کرده است. با توجه به این فرصت مغتنم به وجود آمده لازم است به نکته ای در باب خصوصی سازی اشاره شود که متأسفانه در پیشنهادهای مطرح شده در کمیسیون اقتصادی دولت مورد توجه جدی واقع نشده و آن مقررات ماده ۱۹ قانون برنامه سوم است. به موجب این ماده درآمدهای ناشی از فروش سهام شرکت ها، دارایی ها و اجاره شرکت ها باید به خزانه واریز شود. ۴۸ درصد این رقم به تقویت خزانه کشور، ۴ درصد جهت هزینه های بسیج و ۵۰ درصد باقی این مبلغ به منظور اصلاح ساختار شرکت های در حال فروش و توسعه صنعتی به حساب شرکت های واگذار کننده تخصیص و منظور می شود. ملاحظه می شود که ۵۰ درصد از درآمد حاصله از بخش تولید جداگشته و شرکت واگذار کننده سهام فقط با نیمی از عایدی خود به اصلاح ساختار می پردازد. اصولاً اجرای طرح توسعه در جهان کنونی الزامات و مقدماتی دارد و برای هر طرح ابتدا به ساکن، می باید امکان سنجی صورت گیرد. معرفی و دستگاه متولی باید اول مطالعات لازم را از طریق مشاوره انجام دهد و امکان پذیر بودن یا نبودن طرح را روشن نماید. مهم تر از آن این که مطرح مسوره بحث می بایست توجیه فنی و اقتصادی داشته باشد و علاوه بر آن در آمدزایی آن کین مشخص شود.

اگر طرح انتفا می است باید آنقدر توجیه اقتصادی داشته باشد که بتواند با و موسسات اعتباری داخلی و خارجی به آن وام و اعتبار دهند یعنی به اصطلاح طرح باید در بانک نقد شدنی باشد. امری که در دنیا طرح های انتفاعی قبل از این که ارزیابی و مشخصات فوق الذکر در موردشان احراز شود اساساً به مرحله اجرا در نخواهند آمد. حال سوال اساسی این است که آیا وقتی حکم فروش سهام دولتی برای توسعه صنعتی صادر می شود طرح های توسعه صنعتی یا مشخصات فوق در ایران وجود دارد و لذا نقطه مشکل دستگاه اجرایی تامین منابع مالی است یا اساساً چنین طرح هایی با این مشخصات وجود ندارد؟ ایراد کار الان اینجاست که آن ۵۰ درصدی که صرف اصلاح ساختاری نمی شود اصولاً ماهیت هزینه ای ندارد.

این مساله به دنبال خود نین بحث را پیش می کشد که اگر برنامه مصوبی برای اصلاح ساختار شرکت های دولتی موجود نباشد و لذا برنامه ای مشخص و زمان بندی شده که در آن مراحل مختلف اصلاح ساختار و شرایط عبور از هر مرحله و ورود به مرحله بعدی مشخص شده باشد تدوین نمود طبیعی است که در آمد حاصل از واگذاری مدن رفته و صرف اصلاحات نخواهد شد.

تاکنون فقط به یک جنبه خصوصی سازی توجه شده و دائماً همساز داده شده که سهام دولتی مطابق برنامه واگذار نشده، اما به این پرسش پاسخ داده نشده است که اگر هر سهام دولتی واگذار می شد چه تضمینی وجود داشت که در آمد حاصل از واگذاری هزینه بشود و در آن صورت دولت هم سهام شرکت هایش را از دست می داد و چون درآمدی هم نداشت به خاطر تعهدات مالی که همواره دارد تمامی تعاریف و ریسکهای در علم اقتصاد در موردش صادق بود.